

تبیین الگوی بهینه مدیریت روستایی با رویکرد مدیریت محلی (مطالعه موردی: غرب و جنوب غرب استان گیلان)

محمود قاسم نژاد درویشی، دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

دکتر نصراله مولایی هاشجین*، استاد، گروه جغرافیا، واحد رشت، نام دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

دکتر محمد باسط قریشی، استادیار، گروه جغرافیا، واحد رشت، نام دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

دکتر عیسی پوررمضان، استادیار، گروه جغرافیا، واحد رشت، نام دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۲

چکیده

مدیریت، مهم ترین عامل در حیات، رشد و بالندگی یا مرگ یک جامعه است و روند موجود به سوی وضع مطلوب را کنترل می کند. روستاها به منزله مکان هایی خاص با شیوه ی زندگی و فعالیت متفاوت نسبت به شهرها هستند که نیازمند الگوی مدیریتی مجزا و منطبق با شرایط اقتصادی، اجتماعی و بوم شناختی حاکم بر نواحی روستایی می باشند به طوری که روستا برای ادامه بقا نیازمند پویایی عناصر به هم پیوسته و مدیریت این عناصر است. هدف پژوهش حاضر شناسایی، تبیین و تبیین الگوی بهینه مدیریت روستایی در غرب و جنوب غرب استان گیلان بوده است. این پژوهش بر اساس هدف کاربردی و از نوع توصیفی-تحلیلی است. محدوده مورد مطالعه تحقیق روستاهای واقع در شهرستان های غرب و جنوب غرب استان گیلان (۷ شهرستان) و جامعه آماری آن فرمانداران، بخشداران، کارشناسان فرمانداریها، کارشناسان بخشداریهها، کارشناسان بنیاد مسکن، کارشناسان جهاد کشاورزی، کارشناس امور روستایی استانداری، دهیاران و اعضای شورای اسلامی در محدوده مورد مطالعه می باشند.

روستاهای برخوردار از مدیریت اجرایی و نظارتی در غرب و جنوب غرب استان گیلان، مشتمل بر شهرستان های آستارا، تالش، رضوانشهر، ماسال، صومعه سراع فومن و شفت ع قلمرو جغرافیایی پژوهش حاضر را شامل بوده است.

این پژوهش با هدف تبیین مدیریت محلی روستایی و به کمک مطالعات اسنادی و میدانی و با استفاده از ابزار پرسشنامه نشان می دهد در روستاهای مورد مطالعه دو نوع مدیریت نظارتی (شورا) و اجرایی (دهیار) موجود است که با مشارکت مستقیم مردم انتخاب می شوند. در مواردی که روستاها از مدیریت روستایی بی بهره باشند در قالب یک مدیریت پهنه ای که از تجمیع دو یا تعداد بیشتر روستا تشکیل می شوند اداره می گردند به عبارتی دیگر می توان از سه عامل طرح شده در این پژوهش برای سنجش الگوی مدیریت روستایی با رویکرد محلی بهره برد. بنابراین در نهایت می توان بیان نمود با بررسی های میدانی و اسنادی صورت گرفته مدیریت اجرایی، مدیریت نظارتی و مدیریت پهنه ای همراه با رعایت اصول و شاخص های بازشناسایی شده بهترین نوع مدیریت در محدوده مورد مطالعه و به تناسب جمعیت می باشند در پژوهش حاضر با کمک تحلیل رگرسیون نشان داده شد که مدیریت اجرایی و مدیریت نظارتی، مدیریت پهنه ای و بازتعریف شاخص های محلی (متغیرهای مستقل) از عوامل تاثیرگذار بر مدیریت محلی روستایی (متغیر وابسته) می باشد.

واژه گان کلیدی: الگو، مدیریت روستایی، رویکرد محلی، غرب و جنوب غرب گیلان

مقدمه

مدیریت، مهم ترین عامل در حیات، رشد و بالندگی یا مرگ یک جامعه است که روند موجود به سوی وضع مطلوب را کنترل می کند. امروزه نقش و جایگاه مدیریت در تمامی زمینه ها و عرصه های مختلف زندگی، بر کسی پوشیده نیست و در فرآیند توسعه روستایی نیز پرداختن به جایگاه و نقش مدیریت در توسعه روستایی الزامی است. روستاها به لحاظ تفاوت های کارکردی و ساختاری که با شهرها دارند و شیوه زندگی در روستاها با شهرها متفاوت است، از همین رو نیازمند الگوی مدیریتی مجزا و منطبق با شرایط مختلف روستاها هستند. به طوری که روستا به عنوان یک ساخت، برای ادامه بقا نیازمند پویایی عناصر به هم پیوسته است و مدیریت، بخش مهم و تعیین کننده ای در ارتباط با این عناصر شناخته می شود.

مدیریت، مهم ترین عامل در حیات، رشد و بالندگی یا مرگ یک جامعه است که روند موجود به سوی وضع مطلوب را کنترل می کند. امروزه نقش و جایگاه مدیریت در تمامی زمینه ها و عرصه های مختلف زندگی، بر کسی پوشیده نیست و در فرآیند توسعه روستایی نیز پرداختن به جایگاه و نقش مدیریت در توسعه روستایی الزامی است. روستاها به لحاظ تفاوت های کارکردی و ساختاری که با شهرها دارند و شیوه زندگی در روستاها با شهرها متفاوت است، از همین رو نیازمند الگوی مدیریتی مجزا و منطبق با شرایط مختلف روستاها هستند. به طوری که روستا به عنوان یک ساخت، برای ادامه بقا نیازمند پویایی عناصر به هم پیوسته است و مدیریت، بخش مهم و تعیین کننده ای در ارتباط با این عناصر شناخته می شود.

نقش و جایگاه روستاها در توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در مقیاس های مختلف از یک طرف و پیامدهای توسعه نیافتگی مناطق روستایی از قبیل نابرابری شدید، افزایش سریع جمعیت، بیکاری، مهاجرت، حاشیه نشینی شهری و غیره از سوی دیگر، موجبات توجه هرچه بیشتر و ضرورت مدیریت و برنامه ریزی توسعه روستایی را فراهم کرده است. همچنین حصول و دست یابی به توسعه پایدار روستایی، بدون بهره گیری از شیوه های مدیریتی توانمند و کارآمد میسر نخواهد شد. بنابراین، شناخت مشکلات پیش روی مدیریت محلی در سطح نواحی متنوع جغرافیایی کشور و تلاش برای حل آنها از طریق راهکارها و اقدامات مناسب، می تواند راهگشا باشد. با نگاهی به سیر تحول مدیریت روستایی در ایران می توان دریافت که در رابطه با مدیریت جوامع روستایی همواره وجود مدیری منطبق با نیازها و شرایط متنوع جوامع روستایی احساس می شده است. به عبارتی دیگر، مدیریت در معنای کاربردی آن، در روستاهای ایران اعمال نمی شود، و آنچه را که به عنوان مدیریت محلی شاهد هستیم، نوعی مدیریت ناقص و یا شبه مدیریت است. یکی از رویکردهای توسعه روستایی، برنامه ریزی "پایین به بالا" است که بر اساس مشارکت مردم محلی و دخالت موثر آنان در فرآیند برنامه ریزی، محور توسعه روستایی محسوب می شود. این فرآیند شامل سه رکن مردم، دولت و نهادهای عمومی است که با مشارکت مردم و از طریق تشکیلات و سازمانهای روستایی، برنامه ها و طرح های توسعه روستایی تدوین و اجرا می گردد و تحت نظارت و ارزشیابی قرار می گیرد. مدیریت جدید توسعه روستایی باید درک توسعه محلی، متجلی ساختن ابتکارها، جمع گرایی و مشارکت را در دستور کار خود قرار دهد و توانایی تحلیل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی فضاهای روستایی را داشته باشد تا در روند توسعه روستایی ضمن ایجاد اشتغال و درآمد برای گروه هایی مختلف جامعه روستایی بتواند باعث گسترش امکانات و زیربنایها، گسترش سرمایه گذاری ها، توسعه و بهبود حمل و نقل روستایی و در نهایت باعث توسعه و پیشرفت روستاهای منطقه شود.

بنابراین، با توجه به نقش و جایگاه روستا در دستیابی به توسعه ملی و همچنین، نقش اساسی مدیریت توانمند و کارآمد در روستاها به عنوان مهمترین عامل در هماهنگی فعالیت های توسعه روستایی، ترسیم یک الگوی بهینه مدیریت با رویکرد مدیریت محلی و مشارکتی بسیار مهم و برجسته به نظر می رسد. در حال حاضر نواحی روستایی استان گیلان با مسایل و مشکلاتی مواجه است که نیازمند توجه بیشتر از سوی مسئولین و سیاست گذاران می باشد. این چالش ها را می توان در مواردی مانند عدم تبیین مبانی تئوریک، تعدد دستگاه های اجرایی مرتبط با امور روستا، نبود منابع مالی پایدار، عدم مشارکت مردم به خصوص در تصمیم گیری و اجرای طرح ها و برنامه ها، آموزش نیروی انسانی و ... اشاره نمود. پژوهش حاضر، به دنبال ارائه الگویی بهینه مدیریت روستایی هستیم، از همین رو در صدد پاسخگویی به این سوال اساسی هستیم: الگوی بهینه مدیریت روستایی با رویکرد محلی در محدوده مطالعاتی چگونه تعریف می شود.

محققانی در زمینه مدیریت روستایی دست به تحقیق و پژوهش زده اند که در ادامه به تعدادی اشاره خواهد شد.

مولایی هاشجین (۱۳۸۲) در مقاله ای تحت عنوان الگوی بهینه برای برنامه ریزی توسعه خدمات روستایی در ایران (مطالعه موردی: جنوب استان اردبیل)، هدف اصلی این تحقیق را ارزیابی الگوی بهینه توزیع خدمات در راستای بهبود رفاه روستاییان معرفی نمودند و بیان نمودند: مهمترین اقدام در کنار این برنامه، بهبود شرایط اقتصادی روستاییان است و تازمانی که به روستاها به عنوان محل زیست و سکونت انسان از یک سو و مکان های تولیدی از سوی دیگر توجه نشود، روستاییان با مشکل مواجه خواهند بود. بنابراین با هدف فوق و در جهت برخورداری نمودن روستاها به منظور ایجاد شرایط بهتر زیست و کار در آنها، الگویی بهینه ارائه شده است که براساس آن، روستاییان به جای طی کیلومترها راه و تحمل هزینه های گزاف، می توانند نیازمندی هایشان را برطرف سازند. این الگوی بهینه گسترش خدمات و توسعه آنها و بالابردن سطح اشتغال و درآمد و از بین بردن موانعی که روستاها را از نظر داشتن امکانات زیستی و خدمات مورد نیاز با مشکل مواجه می کند، می باشد.

مهدوی و نجفی کانی (۱۳۸۴) در مقاله ای تحت عنوان دهیاری ها، تجربه ای دیگر در مدیریت روستاهای ایران (نمونه موردی: دهیاری های استان آذربایجان غربی)، ضمن بررسی مسائل مدیریتی روستا در ایران و تبیین چگونگی تشکیل دهیاری ها، نقاط قوت و ضعف آنها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در ضمن به منظور بیان عملکرد دهیاری های تأسیس شده به عنوان مطالعه موردی، اهم فعالیت های عمرانی و خدماتی ۳۲۹ دهیاری استان آذربایجان غربی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

مولائی هاشجین (۱۳۸۶) در مقاله ای تحت عنوان چالش ها و راهکارهای مدیریت برنامه ریزی توسعه روستایی و عشایری در ایران نشان می دهد مدیریت روستایی و عشایری در ایران با توجه به قابلیت ها و مزیت های نسبی پاسخگوی نیاز کشور نیست و برای تحقق توسعه پایدار نیاز به دگرگونی در ساختارها و نهادها و تنظیم حرکت ها به گونه ای بهینه که بتواند زمینه توسعه پایدار را فراهم آورد، دارد.

رکن الدین افتخاری (۱۳۸۶)، در مقاله ای با موضوع نگرشی نو به مدیریت روستایی با تأکید بر نهادهای تأثیرگذار به تعاریف مختلف توسعه و مدیریت روستایی پرداخته و سپس مدیریت روستایی را از ابعاد مختلف توسعه پایدار از جمله بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی مورد بحث قرار داده است و در نهایت نتایج، بیانگر این موضوع است که بررسی بازیگران اصلی موثر در عرصه مدیریت روستایی پرداخته و نقش و جایگاه هر یک را به خوبی تبیین کرده است.

مولایی هاشجین (۱۳۹۱) در مقاله ای تحت عنوان مدل و الگوی پیشنهادی مدیریت روستایی در استان گیلان با بهره گیری از نظریات، تجربیات، منابع و اطلاعات به بررسی اجمالی مدیریت روستایی در ایران و استان گیلان پرداخته و در پایان مدل پیشنهادی مدیریت روستایی در سطح روستاهای استان گیلان از سطح روستا تا استانی را ارائه نموده است. مدیریت اجرایی مجتمع برای روستاهای کوچک و بسیار کوچک و نیز روستاهای همجوار پیوسته در اندازه های مختلف و مدیریت یکپارچه با کارکرد مدیرکل در سطح روستا از مشخصه های مدل پیشنهادی است.

فرجی سبکبار و قصابی (۱۳۹۲) مقاله ای تحت عنوان شناخت و تحلیل علل ناکارآمدی مدیریت روستایی از دیدگاه مردم محلی (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان آران و بیدگل)، را انجام داده اند که نتایج پژوهش بیانگر ۳۳ علت اثرگذار بر ناکارآمدی مدیریت روستایی در مقیاس محلی است که این علل در چارچوب ۸ مقوله کلی، شامل ضعف در شایسته سالاری، ضعف در اطلاع رسانی، ترجیح منافع شخصی و قومی بر منافع جمعی، ضعف در سرمایه های اجتماعی و انسانی، ضعف در برنامه ریزی در زمینه های فرهنگی و اجتماعی، محدودیت مالی و بودجه ای، ضعف در آینده نگری و نیز محدودیت های قانونی و اجرایی دسته بندی شده اند. مجموعه این عوامل به طور سیستماتیک با یکدیگر در ارتباط هستند؛ به طوری که به نظر می رسد تنها راه حل برون رفت از این مشکلات، نگرش یکپارچه و سیستمی به موضوع مدیریت روستایی در چارچوب نظام توسعه ملی است.

نعمتی و بدری (۱۳۹۲) مقاله ای تحت عنوان ارزیابی نقش کارکردی نظام نوین مدیریت روستایی مقایسه تطبیقی دهیاری های فعال در روستاهای کوچک و بزرگ (مطالعه موردی استان گلستان)، انجام داده اند، که نتایج این تحقیق در استان گلستان و با بهره گیری از روش مطالعه توصیفی- تحلیلی صورت گرفته، نشان می دهد که عوامل ساختاری، اجتماعی و اقتصادی رابطه تنگاتنگی با میزان موفقیت دهیاری در روستاهای کوچک دارد. علاوه بر اینکه دهیاری در روستاهای پرجمعیت نیز به دلیل دریافت سرانه اعتباری بیشتر موفق تر از روستاهای کوچک عمل کرده است.

مرادی و آگهی (۱۳۹۳) در مقاله ای واکاوی چالش های مدیریت روستایی با رویکرد کیفی تئوری بنیانی، نشان دادند، دهیاری های مورد مطالعه به ترتیب اهمیت با چالش هایی نظیر عدم آگاهی مردم و سازمان های محلی از وظایف دهیار، نگرش منفی نسبت به

وی، عدم همکاری و حمایت سازمانهای محلی و دولتی با دهیار، تدوین طرحهای از بالا به پایین از سوی سازمان های اجرایی، ضعف روحی همکاری و مشارکت خودجوش در مردم، ضعف جایگاه قانونی دهیار و بالاخره، کمبود تجهیزات و منابع مالی مواجه اند. نتایج این مطالعه برنامه ریزان توسعه ی روستایی استان را در برون رفت از مشکلات یادشده و تحقق مدیریت روستایی کارآمد در منطقه یاری خواهد کرد.

حیدری ساریان(۱۳۹۸) در مقاله خود تحت عنوان ارزیابی الگوی مدیریت محلی روستایی مبتنی بر شاخص های حکمروایی خوب(مطالعه موردی: شهرستان مشگین شهر) می نویسد شاخص های مشارکت اجتماعی و مسئولیت پذیری از کارکرد بیشتری در شکل گیری الگوی مطلوب مدیریت محلی روستایی شهرستان مشگین شهر تأثیر دارد و مدیریت محلی روستایی شهرستان مشگین شهر از لحاظ شاخص های حکمروایی مطلوب روستایی در وضعیت خوبی قرار دارد. افزون بر این، مطابق یافته های پژوهش، همه شاخص های حکمروایی خوب (مشارکت اجتماعی، پاسخگویی، کارایی و اثربخشی، قانون مندی، عدالت و برابری، اجماع محوری، مسئولیت پذیری و شفافیت) در مناطق روستایی شهرستان مشگین شهر در وضعیت مطلوبی قرار دارند. در تحقیقات آورده شده محققان بدرستی به دنبال یافتن نقاط قوت و ضعف، چالش ها و ارائه های راهکارهای مدیریتی، بازتعریف مدیریت روستایی و ارائه الگوی مناسب مدیریتی می باشند. بدین منظور برخی از این مقوله ها را در قالب مبانی نظری ارائه می گردد.

مدیریت فرایند به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات و هدایت و کنترل است که برای دست یابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول صورت می گیرد(رضاییان، ۱۳۷۹، ۶). اکثر صاحب نظران کارکردهای اصلی مدیریت را شامل برنامه ریزی، سازماندهی، هماهنگی، رهبری و کنترل می دانند (Hersey, Blanchard, 1972, 132). بررسی تجارب جهانی حاکی از آن است که امروزه، بسیاری از کشورهای جهان به منظور ارائه خدمات اساسی و مورد نیاز به جامعه روستایی، به تشکیل و سامان دهی سازمان های محلی در مناطق روستایی دست یازیده اند(زیارتی نصرآبادی، ۱۳۸۴، ۱۶). بنابراین به مدیریت محلی نیاز دارند و «مدیریت محلی» باید درک توسعه محلی، بروز ابتکارها، جمع گرایی و مشارکت در امور را آموزش دهد و عامل تحلیل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی فضاها روستایی شود(مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲، ۲۳۰). وظایف مدیریت در سازمان ها و نهادهای محلی شامل برنامه ریزی، سازماندهی، مدیریت منابع و امکانات، هدایت، رهبری، کنترل و نظارت است(Koontz, 1998, 103-104).

مدیریت روستایی مجموعه ای از دانش، اطلاعات، فنون و مهارت ها است که با هنر مدیریت، فرایند و عمل برنامه ریزی به منظور دستیابی به توسعه روستایی را با توجه به اهداف محوری برنامه ریزی توسعه روستایی سامان می دهد. این مدیریت با توجه به جایگاه ها و وظایف محوله و در راستای اداره امور روستا به بهتر نمودن اوضاع محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستا کمک می کند(مولائی هاشجین و پوررمضان، ۱۳۸۹، ۶۷). با نگاهی به سیر تحولات مدیریت روستایی در ایران در می یابیم مدیریت روستایی در ایران در قالب یک تقسیم بندی کلی به چهار دوره تاریخی قبل از انقلاب مشروطیت، دوره مشروطیت تا اصلاحات ارضی، پس از اصلاحات ارضی تا پیروزی انقلاب اسلامی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی تقسیم بندی می شود (بدری، موسوی، ۱۳۸۸، ۱۹-۲۰). همچنین چهار عامل مؤثر بر مدیریت در روستاهای ایران شناسایی شده است که شامل عوامل سیاسی، عوامل اجتماعی - فرهنگی، عوامل اقتصادی، عوامل جغرافیایی می باشد(عبداللهیان، شریعتی، شوشتری زاده، ۱۳۸۴، ۲۴۱).

روش پژوهش

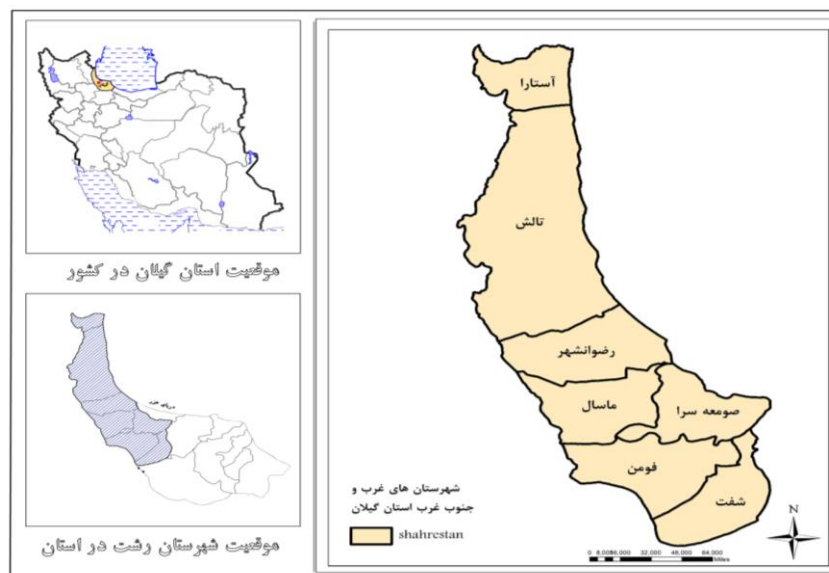
این تحقیق براساس هدف کاربردی و از نظر ماهیت و روش شناسی توصیفی تحلیلی است و از روش های آماری برای تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شده است. پژوهش حاضر در چارچوب پارادایم تحقیق اثبات گرایی تنظیم شده است، بدین معنی که در ماهیت کمی است و هدف اصلی آن توصیف و تشریح است. با توجه به اینکه یافته های این پژوهش برای مدیران معنادار و ارزشمند بوده و در بستر روستاها انجام می گیرد و دارای مقیاس زمانی معین و مشخص است، لذا از حیث نوع، یک پژوهش کاربردی به شمار می آید. با توجه به اینکه محقق هیچ گونه دخل و تصرفی در داده ها و متغیرها نمی کند پژوهش توصیفی بوده و با عنایت به اینکه هدف تحقیق اکتشافی می باشد و از آنجا که داده های مورد نیاز این تحقیق با استفاده از پرسشنامه بدست

خواهند آمد، لذا روش تحقیق یک بررسی پیمایشی محسوب می شود. در تحقیق حاضر به منظور گردآوری اطلاعات و داده های مورد نیاز از روش کتابخانه ای و اسنادی و همچنین برای تکمیل اطلاعات از روش میدانی استفاده شده است. در تهیه اطلاعات میدانی از پرسشنامه بی نام و از نوع بسته (منظم) و برای پاسخ به سوالات و سنجش نظر، دیدگاه و بینش پاسخگویان از مقیاس لیکرت بهره گرفته شده است. این مقایسه در پنج گزینه درجه بندی شده که بر اساس طیف نظری بسیار کم، کم، متوسط، زیاد و بسیار زیاد (به ترتیب یک تا پنج) می باشد.

برای تعیین روایی محتوایی پرسش نامه تحقیق، از قضاوت متخصصان و افراد صاحب نظر استفاده شد که با تغییراتی در ظاهر پرسش نامه روایی صوری و روایی محتوایی پرسش نامه پژوهش مورد تایید قرار گرفت. از مجموع ۱۰۰ سوال مطرح شده با خبرگان که در قالب پرسش نامه ای در میان ۱۵ نفر آنها توزیع گردید تعداد ۵ سوال حذف شدند و در نهایت تعداد ۹۵ سوال برای توزیع در میان جامعه آماری تحقیق باقی ماند. در نهایت با توجه به شرایط پیشنهادی ۱۵۶ پرسشنامه جمع آوری شد. پایایی پرسشنامه ها به کمک ضریب آفای کرونباخ (۰/۸۵۶) قابل قبول بوده است. برای استخراج و تحلیل داده ها و اطلاعات میدانی که از طریق پرسشنامه حاصل می شود از نرم افزار آماری SPSS استفاده می گردد.

در تحقیق حاضر جامعه آماری مورد بررسی فرمانداران، بخشداران، کارشناسان فرمانداری مرتبط با امور دهیارها و روستاها، کارشناسان بخشدارها، کارشناسان بنیاد مسکن، کارشناسان جهاد کشاورزی، کارشناس امور روستایی استانداری، دهیاران و اعضای شورای اسلامی روستاهای شهرستان های غرب و جنوب غرب استان گیلان می باشند. با کمک تکنیک دلفی که اساس و پایه آن بر این است که نظر متخصصان هر قلمرو علمی در مورد پیش بینی آینده صائب ترین نظرت. بنابراین برخلاف روشهای پژوهش پیمایشی، اعتبار روش دلفی نه به شمار شرکت کنندگان در پژوهش که به اعتبار علمی متخصصان شرکت کننده بستگی دارد. انتخاب جامعه نمونه به این شرح می باشد: در ۷ شهرستان، ۷ فرماندار، ۱۹ بخشدار، ۸۳ دهیار و شورا، ۷ کارشناس امور روستایی استانداری، ۷ کارشناس فرمانداری، ۷ کارشناس بخشدار، ۷ کارشناس بنیاد مسکن، ۷ کارشناس جهاد کشاورزی به صورت تصادفی انتخاب شده اند. در این پژوهش مدیریت محلی روستایی به عنوان متغیر وابسته و شاخص های مدیریت اجرایی و مدیریت نظارتی، مدیریت پهنه ای و بازتعریف شاخص های محلی به عنوان متغیر مستقل می باشند

قلمرو جغرافیایی پژوهش



شکل ۱. محدوده مورد مطالعه شهرستان های غرب و جنوب غرب استان گیلان

استان گیلان یکی از استان های شمالی کشور بالغ بر ۱۴ هزار کیلومتر مربع (۱۴۰۴۴) مساحت دارد. این استان در ۳۶ درجه و ۳۳ دقیقه تا ۳۸ درجه و ۲۷ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۳۲ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۳۶ دقیقه طول شرقی از نصف النهار قرار گرفته است. این استان دارای ۱۶ شهرستان، ۵۲ شهر، ۴۳ بخش، ۱۰۹ دهستان، ۲۹۱۴ آبادی که از این تعداد ۲۵۸۳ آبادی دارای سکنه می باشد. از میان این شهرستانها ۷ شهرستان آستارا، تالش، رضوانشهر، شفت، صومعه سرا، فومن و ماسال در غرب و جنوب غرب استان قرار دارند و ناحیه مطالعاتی تحقیق می باشند. شهرستان آستارا دارای ۲ بخش مرکزی و لوندویل، شهرستان تالش دارای ۴ بخش مرکزی، اسالم، حویق، گرگانرود، شهرستان رضوانشهر دارای ۲ بخش مرکزی، پره سر، شهرستان شفت دارای ۲ بخش مرکزی، احمد سرگوراب، شهرستان صومعه سرا دارای ۳ بخش مرکزی، تولم، میرزا کوچک جنگلی، شهرستان فومن دارای ۲ بخش مرکزی، سردار جنگل، شهرستان ماسال دارای ۲ بخش مرکزی، شاندرمن می باشند. بنابراین ۱۹ بخش از ۱۰۹ بخش استان گیلان جزء محدوده مورد مطالعه پژوهش می باشد.

یافته‌ها و بحث

تعیین الگوی بهینه مدیریت روستایی با رویکرد مدیریت محلی نیازمند شناخت نوع مدیریت در روستاهای دارای سکنه در شهرستان های مورد مطالعه می باشد. با شناخت نوع مدیریت موجود در روستاهای مختلف و شناسایی شاخص های موثر در مدیریت محلی روستایی می توان الگوی بهتری ارائه نمود.

- داده های توصیفی

جهت بررسی نحوه مدیریت روستایی در غرب و جنوب غرب استان لازم است شهرستانهای مورد مطالعه را از نظر مدیریتی بررسی نماییم. در پژوهش حاضر این بررسی از دو جنبه جمعیت و ارتفاع گروه بندی خواهد شد. بدین صورت که ابتدا شهرستانها بر اساس رده های جمعیتی در سه گروه اندازه جمعیتی (کوچک، متوسط و بزرگ) گروه بندی شده و نحوه برخورداری از مدیریت روستایی را بررسی نموده و در گام دوم این عمل بر اساس تقسیم بندی ارتفاعی (ساحلی، جلگه ای، کوهپایه ای و کوهستانی) تکرار شده است. بدین نحو تعداد روستاهای برخوردار از مدیریت روستایی و نوع آن مشخص خواهد شد.

جدول ۱: بررسی روستاهای دارای سکنه موجود در شهرستان های مورد مطالعه بر اساس گروه بندی جمعیتی

ردیف	نام شهرستان	تعداد روستاهای دارای سکنه	کمتر از ۵۰۰ نفر (اندازه جمعیت کوچک)		۵۰۰-۱۰۰۰ نفر (اندازه جمعیت متوسط)		بیشتر از ۱۰۰۰ نفر (اندازه جمعیت بزرگ)	
			تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱	آستارا	۵۹	۳۸	۷۱/۱۸	۸	۱۳/۵۵	۹	۱۵/۲۵
۲	تالش	۲۷۹	۱۹۰	۷۴/۵۵	۴۴	۱۵/۷۷	۲۷	۹/۶۷
۳	رضوانشهر	۱۰۴	۶۵	۷۳/۰۷	۲۲	۲۱/۱۵	۶	۵/۷۶
۴	شفت	۹۵	۵۲	۵۵/۷۸	۳۳	۴۳/۷۳	۹	۹/۴۷
۵	صومعه سرا	۱۵۰	۱۰۶	۷۰/۶۶	۲۹	۱۹/۳۳	۱۵	۱۰
۶	فومن	۱۵۶	۹۴	۶۸/۵۸	۴۱	۲۶/۲۸	۸	۵/۱۲
۷	ماسال	۹۳	۶۲	۷۳/۱۱	۲۳	۲۴/۷۳	۲	۲/۱۵
	کل روستاهای ساکن غرب و جنوب غرب استان گیلان	۹۳۶	۶۶۰	۷۰/۵۱	۲۰۰	۲۱/۳۶	۷۶	۸/۱۱

منبع: سالنامه آماری استان گیلان، فرمانداریها، امور روستایی استانداری گیلان، معاونت برنامه ریزی استانداری گیلان

بنابراین ۷۰/۵۱ درصد از روستاهای موجود در شهرستانهای مورد مطالعه کمتر از ۵۰۰ نفر، ۲۱/۳۶ درصد بین ۵۰۰-۱۰۰۰ نفر و ۸/۱۱ درصد بیشتر از ۱۰۰۰ نفر جمعیت دارند.

جدول ۲: بررسی وضعیت مدیریت محلی در شهرستانهای مورد مطالعه

ردیف	شهرستان	کل روستاها	روستاها دارای شورای اسلامی		روستاها خالی از سکنه	روستاها دارای سکنه	روستاها دارای دهیار	
			تعداد	درصد			تعداد	درصد
۱	آستارا	۸۰	۴۱	۶۹/۴۹	۲۱	۵۹	۳۷	۶۲/۷۱
۲	تالش	۳۶۷	۲۱۰	۷۵/۲۶	۸۸	۲۷۹	۱۹۳	۶۹/۱۷
۳	رضوانشهر	۱۱۵	۸۰	۷۶/۹۲	۱۱	۱۰۴	۷۲	۶۹/۲۳
۴	شفت	۹۹	۹۰	۹۴/۷۳	۴	۹۵	۷۹	۸۳/۱۵
۵	صومعه سرا	۱۵۱	۱۴۳	۹۵/۳۳	۱	۱۵۰	۱۲۹	۸۶
۶	فومن	۱۶۹	۱۳۰	۸۳/۳۳	۱۳	۱۵۶	۱۲۳	۷۸/۸۴
۷	ماسال	۱۰۸	۷۷	۸۲/۷۹	۱۵	۹۴	۷۶	۸۱/۷۲
	روستاها غرب و جنوب غرب استان گیلان	۱۰۸۹	۷۷۱	۸۲/۳۷	۱۵۳	۹۳۶	۷۰۹	۷۵/۷۴

منبع: سالنامه آماری استان گیلان، فرمانداریها، امور روستایی استانداری گیلان، معاونت برنامه ریزی استانداری گیلان

بر اساس اطلاعات بدست آمده ۸۲/۳۷ درصد از روستاهای دارای سکنه در شهرستانهای مورد مطالعه دارای مدیریت اجرایی(دهیار) و ۷۵/۷۴ درصد دارای مدیریت نظارتی(شورای اسلامی) می باشند

جدول ۳: بررسی روستاهای دارای سکنه موجود در شهرستان های مورد مطالعه بر اساس گروه بندی ارتفاعی

ردیف	شهرستان	روستاها دارای سکنه	ارتفاع ۰- (ساحلی)		ارتفاع ۱۰۰- (جلگه ای)		ارتفاع ۴۹۹-۱۰۰ (کوهپایه ای)		ارتفاع ۵۰۰+ (کوهستانی)	
			تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱	آستارا	۵۹	۱۷	۲۸/۸۲	۱۰	۱۶/۹۴	۱۵	۲۵/۴۲	۱۷	۲۸/۸
۲	تالش	۲۷۹	۸۸	۳۱/۵۴	۵۳	۱۸/۹۹	۳۴	۱۲/۱۸	۱۰۴	۳۷/۲۹
۳	رضوانشهر	۱۰۴	۴۸	۴۶/۱۵	۱۶	۱۵/۳۸	۷	۶/۷۳	۳۳	۳۱/۷۴
۴	شفت	۹۵	۲۸	۲۹/۴۷	۶۱	۶۴/۳۱	۵	۵/۲۶	۱	۱/۰۶
۵	صومعه سرا	۱۵۰	۱۲۰	۸۶/۶۶	۲۰	۱۳/۳۴	۰	۰	۰	۰
۶	فومن	۱۵۶	۴۳	۲۷/۵۶	۷۸	۵۰	۱۲	۷/۶۹	۲۳	۱۴/۷۵
۷	ماسال	۹۴	۰	۰	۴۸	۵۱/۶۱	۳۱	۳۳/۳۳	۱۴	۱۵/۰۶
	کل روستاهای ساکن غرب و جنوب غرب استان گیلان	۹۳۶	۳۵۴	۳۷/۸۲	۲۸۶	۳۰/۵۵	۱۰۴	۱۱/۱۱	۱۹۲	۲۰/۵۲

منبع: سالنامه آماری استان گیلان، فرمانداریها، امور روستایی استانداری گیلان، معاونت برنامه ریزی استانداری گیلان

همانگونه که در جدول بالا ملاحظه می شود ۳۷/۸۲ درصد از روستاهای دارای سکنه در شهرستانهای مورد مطالعه در بخش ساحلی، ۳۰/۵۵ درصد در بخش جلگه ای، ۱۱/۱۱ درصد در بخش کوهپایه ای و ۲۰/۵۲ درصد در بخش کوهستانی واقع شده اند.

جدول ۴: بررسی وضعیت مدیریت محلی در شهرستانهای مورد مطالعه

ردیف	شهرستان	کل محدوده		ارتفاع ۰- (ساحلی)		ارتفاع ۱۰۰- (جلگه ای)		ارتفاع ۴۹۹-۱۰۰ (کوهپایه ای)		ارتفاع ۵۰۰+ (کوهستانی)	
		تعداد دهیار	تعداد شورا	تعداد دهیار	تعداد شورا	تعداد دهیار	تعداد شورا	تعداد دهیار	تعداد شورا	تعداد دهیار	تعداد شورا
۱	آستارا	۳۷	۴۱	۱۷	۱۷	۷	۸	۷	۸	۶	۸
۲	تالش	۱۹۳	۲۱۰	۸۰	۸۶	۵۰	۵۲	۲۶	۲۹	۳۷	۴۳
۳	رضوانشهر	۷۲	۸۰	۴۵	۴۶	۱۲	۱۴	۳	۳	۱۲	۱۷
۴	شفت	۷۹	۹۰	۲۵	۲۷	۴۹	۵۷	۴	۵	۱	۱
۵	صومعه سرا	۱۲۹	۱۴۳	۱۱۰	۱۲۳	۱۹	۲۰	۰	۰	۰	۰
۶	فومن	۱۲۳	۱۳۰	۴۲	۴۳	۷۲	۷۶	۶	۸	۳	۳
۷	ماسال	۷۶	۷۷	۰	۰	۴۴	۴۶	۲۸	۲۵	۵	۵
	مجموع تعداد	۷۰۹	۷۷۱	۳۱۹	۳۴۲	۲۵۵	۲۷۱	۷۱	۸۱	۶۴	۷۷
	مجموع درصد	۱۰۰	۱۰۰	۴۴/۹۹	۴۴/۳۶	۳۵/۹۷	۳۵/۱۵	۱۰/۰۱	۱۰/۵	۹/۰۳	۹/۹۹

منبع: سالنامه آماری استان گیلان، فرمانداریها، امور روستایی استانداری گیلان، معاونت برنامه ریزی استانداری گیلان

بنابراین ۷۰۹ دهیار و ۷۷۱ شورا در کل روستاهای دارای سکنه در شهرستانهای مورد مطالعه وجود دارند که نقش مدیریت اجرایی و نظارتی را بازی می نمایند که از این تعداد سهم هر پهنه مشخص است. بنابراین نوع مدیریت شناخته شده در پهنه های متفاوت نیز دو نوع اجرایی و نظارتی است.

پس از مشخص شدن شرایط مدیریتی در شهرستانهای غرب و جنوب غرب استان به دنبال بررسی های میدانی به جمع آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه و باشیوه مصاحبه از جامعه آماری منتخب که شامل ۱۵۶ پاسخگو با اطلاعات زیر می باشند می پردازیم

جدول ۵: اطلاعات توصیفی پاسخگویان

شاخص	متغیر	فراوانی	درصد	شاخص	متغیر	تعداد	درصد
دیپلم کاردانی	مرد	۱۱۳	۷۲/۴۴	تحصیلات	زیر دیپلم	۱	۰/۶۴
	زن	۴۳	۲۷/۵۶		دیپلم	۳۱	۱۹/۸۷
کمتر از ۳۰ سال	۵	۳/۲۱	کاردانی		۲۵	۱۶/۰۳	
۳۰-۳۹	۴۲	۲۶/۹۲	کارشناسی		۷۵	۴۸/۰۸	
۴۰-۴۹	۵۵	۳۵/۲۶	کارشناسی ارشد و بالاتر		۲۴	۱۵/۳۸	
۵۰-۵۹	۲۵	۱۶/۰۳	شغل		فرماندار و بخشدار	۲۶	۱۶/۶۷
۶۰ سال و بیشتر	۲۹	۱۸/۵۸		دهیار و شورای اسلامی	۸۳	۵۳/۲۱	
				کارشناسان	۴۷	۳۰/۱۲	

از آنجاییکه اطلاعات مورد نیاز مرتبط با مدیریت روستایی و شناسایی نوع مدیریت محلی بوده از فرماندار (۷ نفر)، بخشدار (۱۹ نفر)، دهیار و شورای اسلامی (۸۳ نفر)، کارشناس امور روستایی استانداری (۷ نفر)، کارشناس فرمانداری (۷ نفر)، کارشناس بخشداری (۱۹ نفر)، کارشناس بنیاد مسکن (۷ نفر)، کارشناس جهاد کشاورزی (۷ نفر) جهت دریافت اطلاعات کمک گرفته شده است. اغلب پاسخگویان (۷۲/۴۴ درصد) مردان، در گروه سنی ۴۰-۴۹ سال (۳۵/۲۶ درصد) و با مدرک کارشناسی (۴۸/۰۸ درصد) می باشند. گویه های پرسشنامه جهت پاسخ به سؤال اصلی در ۳ گروه دسته بندی شده است.

۱- آگاهی و نگرش به مدیریت نظارتی و اجرایی

با بررسی های میدانی و اسنادی دو نوع مدیریت نظارتی و اجرایی در سطح روستاهای شهرستان های مورد مطالعه شناسایی شد. جهت بررسی میزان آگاهی و نوع نگرش به مدیریت نظارتی که از وظایف شوراهاست و مدیریت اجرایی که به عهده دهیاران می باشد تعدادی پرسش طرح و به شکل چند پاسخی سازمان دهی شده است. نتایج این پرسشنامه به دلیل ناهمگن بودن پاسخ ها به کمک مد(بیشترین بار تکرار) در جدول زیر ارائه شده است.

نتایج این پرسش و پاسخ ها نشان می دهد فرمانداری یا بخشداری، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، شورای اسلامی یا دهیار، جهاد کشاورزی به عنوان عهده دار مسئولیت های مدیریتی روستا شناخته شده اند که مهمترین اهداف آنها اقدامات عمرانی، توزیع زمین بین کشاورزان، بهسازی و نوسازی مسکن، مطالعه و اجرای طرح هادی، نظارت بر کارهای عمرانی و اقتصادی و اجتماعی، هماهنگی با مسئولان دولتی، بررسی، تصویب و اقدام جهت رفع مشکلات مردم و انتقال آن به مسئولان ذیربط می باشند. در روستاها مردم با انتخاب شورا و شورا با انتخاب دهیار به یک تعامل رسیده و خود را در تمامی امور سهیم می دانند. همچنین پاسخگویان معتقدند روستاهایی که شورا و دهیار دارند بهتر می توانند نقش موثری در کاهش مهاجرت، تثبیت و افزایش جمعیت، فراهم نمودن امکانات و خدمات زیربنایی و خدمات روبنایی داشته باشند و رضایت اهالی روستا به کمک اعتبارات دریافتی را جلب نمایند.

جدول ۶: گویه های مربوط به آگاهی و نگرش به مدیریت نظارتی و اجرایی

ردیف	پرسش	پاسخگویان	تعداد	درصد
۱	عهده دار مدیریت روستا در حال حاضر	فرمانداری یا بخشداری	۱۵۳	۹۸/۱
۲	عهده دار مدیریت روستا بعد از انقلاب	فرمانداری یا بخشداری ، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، شورای اسلامی یا دهیار، جهاد کشاورزی	۷۳	۴۶/۸
۳	زمینه مهمترین اهداف مدیریت روستایی	اقدامات عمرانی ، توزیع زمین بین کشاورزان، بهسازی و نوسازی مسکن، مطالعه و اجرای طرح هادی، نظارت بر کارهای عمرانی و اقتصادی و اجتماعی، هماهنگی با مسئولان دولتی ، بررسی، تصویب و اقدام جهت رفع مشکلات مردم و انتقال آن به مسئولان ذیربط	۱۴۲	۹۱
۴	ارزیابی نقش مردم در همکاری با مدیران روستا	با انتخاب شورای اسلامی عملاً نقش خود را ایفا می کنند	۱۱۹	۷۶/۳
۵	نقش شوراهای دهیاران به عنوان مدیران نظارتی و اجرایی	مسئولان را از مشکلات مردم آگاه می سازند	۱۲۸	۸۲/۱
۶	تاریخ تأسیس شورای اسلامی (مدیریت نظارتی) روستا	سال ۱۳۷۸	۱۳۸	۸۸/۵
۷	تفاوت روستاهای دارای شورا و فاقد شورا	روستاهایی که شورا دارند به کاستی ها آگاهی دارند و پیگیری می کنند	۱۳۲	۸۴/۹۱
۸	مهمترین مسائل و مشکلات روستا از نظر عمران و برنامه های توسعه روستایی در نبود شورای اسلامی	نبود اشخاص مشخص بعنوان مسئول و متولی جهت پیگیری مشکلات	۸۱	۵۲/۲۱
۹	نقش شورا در روستاهای غیربرخوردار از دهیاری در روند عمران و توسعه روستا	زیاد (طرح های عمرانی و اجتماعی با استفاده از منابع عمومی و دولتی)	۸۴	۵۳/۸
۱۰	عهده دار وظایف شورا در صورت نداشتن شورا	شورای اسلامی بخش(با هماهنگی بخشدار)	۸۳	۵۳/۲
۱۱	نقش شورا در کاهش مهاجرت	زیاد	۷۷	۴۹/۴
۱۲	نقش شورا در تثبیت و افزایش جمعیت	زیاد	۷۱	۴۵/۵
۱۳	نقش شورا را در افزایش میزان برخورداری از امکانات و خدمات زیربنایی و خدمات روبنایی	زیاد(تقویت برنامه های عمرانی)	۸۱	۵۱/۹
۱۴	احساس نیاز به دهیاری	بلی	۱۴۶	۹۳/۶
۱۵	نوع دهیاری مورد نیاز	دهیاری تمام وقت	۹۲	۵۹
۱۶	نقش دهیاری در کاهش مهاجرت	بسیار زیاد	۶۲	۳۹/۷
۱۷	نقش دهیاری در تثبیت و افزایش جمعیت	زیاد	۷۲	۴۶/۲
۱۸	نقش دهیاری را در افزایش میزان برخورداری از امکانات و خدمات زیربنایی و خدمات روبنایی	بسیار زیاد(با نظارت بر امکانات و خدمات به کمک مسئولان)	۶۹	۴۴/۲
۱۹	رضایت از روند عمران و توسعه به کمک دهیار و شورا	بلی	۱۲۳	۷۸/۸
۲۰	میزان رضایت از روند عمران و توسعه به کمک دهیار و شورا	زیاد	۶۸	۴۳/۶
۲۱	نحوه عملکرد دهیار و شورا در زمینه عمران و توسعه	با استفاده از اعتبارات	۶۶	۴۲/۵۳

۲- مدیریت محلی پهنه ای و توسعه روستایی

حال اگر در روستایی مدیریت نظارتی و اجرایی وجود نداشت چگونه می توان الگوی کارآمدی در نظر گرفت. پیشنهاد محقق مدیریت محلی پهنه ای است. این گونه مدیریت که بر اساس تجمیع مدیریت دو یا چند روستا صورت می گیرد بنظر الگوی کارآمدی برای مدیریت آن دسته از روستاهایی که فاقد شورا و دهیار می باشند، می رسد. برای سنجش این موضوع از پاسخگویان نظرسنجی شده است و نتایج به کمک مد بیان شد است.

جدول ۷: گویه های مربوط به مدیریت محلی پهنه ای

ردیف	پرسش	پاسخگویان	تعداد	درصد
۱	با اجرای مدل مدیریت پهنه ای تا چه حدی خلاء ناشی از نبود مدیریت اجرایی (دهیاری) را می توان پر کرد؟	زیاد	۶۱	۳۹/۱
۲	با مدل مدیریت پهنه ای تا چه حدی خلاء ناشی از نبود مدیریت نظارتی (شورای اسلامی) را می توان پر کرد؟	زیاد	۵۸	۳۷/۲
	شیوه پیشنهادی مدیریت پهنه ای شما چیست؟	با تجمیع چند روستا	۷۶	۴۹/۰۲
۳	مدل مدیریت پهنه ای شامل چه تعداد روستا باشد مناسب تر است؟	تجمیع روستاهای کوچک	۱۰۱	۶۴/۸۴
۴	مدل مدیریت پهنه ای شامل تجمیع مدیریت نظارتی هم در کنار تجمیع مدیریت اجرایی باشد؟	بله	۱۱۸	۷۵/۶
۵	به نظر شما مدل مدیریت پهنه ای شامل روستاهای در یک مسیر باشد یا روستاهای پراکنده؟	در یک مسیر باشد	۱۳۷	۸۸/۲۴
۶	مسئول هدایت، هماهنگی و نظارت بر عملکرد دستگاهها را در مدیریت پهنه ای	شورای اسلامی بخش	۸۸	۵۶/۴
۷	مدل مدیریت پهنه ای تا چه اندازه می تواند به سهولت انجام امور مربوط به روستا کمک نماید؟	زیاد	۸۰	۵۱/۳
۸	مدل مدیریت پهنه ای تا چه اندازه می تواند در کاهش هزینه های امور مربوط به روستا تاثیر گذار باشد؟	زیاد	۷۴	۴۷/۴
۹	به نظر شما مدل مدیریت پهنه ای تا چه اندازه می تواند در کاهش زمان انجام امور مربوط به روستا تاثیر گذار باشد؟	زیاد	۶۲	۳۹/۷
۱۰	به نظر شما مدل مدیریت پهنه ای تا چه اندازه می تواند به توسعه پایدار روستایی کمک نماید؟	زیاد	۶۳	۴۰
۱۱	به نظر شما مدل مدیریت پهنه ای تا چه اندازه می تواند به پیشرفت سریع کارهای عمرانی روستا کمک نماید؟	زیاد	۶۶	۴۲/۳

نتایج این پرسش و پاسخ ها نشان از دیدگاه مثبت به مدیریت پهنه ای به مفهوم تجمیع مدیریت دو یا چند روستا در مواقعی که مدیریت اجرایی و نظارتی وجود ندارد می باشد. در اینگونه مواضع شورای بخش به عنوان ناظر و هماهنگ کننده امور بوده و اینگونه مدیریت قادر است زمینه لازم برای رسیدن به توسعه پایدار را فراهم نماید.

۳- باز تعریف شاخص محلی

پس از شناسایی مدیریت محلی موجود و نظرسنجی در مورد مدیریت بهینه در صورت عدم وجود مدیریت نظارتی و اجرایی به باز تعریف شاخص های محلی می پردازیم. برخی از این شاخص ها که بر اساس مطالعات میدانی موثرترین در امور مدیریتی بوده اند شامل راه دسترسی، امکانات و خدمات رفاهی و تعهد شخص مدیر بوده است.

بنابراین با مطالعه روستاهای دارای سکنه در ۷ شهرستان غرب و جنوب غرب گیلان به این نتیجه رسیدیم که روستاها دارای سه نوع مدیریت اجرایی(دهیار)، مدیریت نظارتی(شورا) و مدیریت پهنه ای(تجمیع دو یا چند روستا) می باشند و شاخص های راه دسترسی، امکانات و خدمات رفاهی و انتخاب مدیر مناسب نیز از عوامل موثر بر امور مدیریتی بوده است.

جدول ۸: گویه های مربوط به باز تعریف شاخص محلی

ردیف	پرسش	پاسخگویان	تعداد	درصد
۱	وجود راههای دسترسی و وسایل نقلیه بین روستاهای فاقد دهیاری با روستا یا روستاهای مورد نظر برای تشکیل دهیاری تا چه حدی تأثیر گذار است؟	زیاد(راه مناسب و وسایل نقلیه نقش بسزایی دارد)	۶۴	۴۱
۲	در میان شاخص های راه، تهیه طرح هادی، خدمات رسانی بهتر کدام عامل موثرتر است؟	وجود راه های مناسب نقش موثری دارد	۱۲۸	۸۱/۸۲
۳	یکی از دلایل عدم تاسیس و راه اندازی دهیاری نداشتن حداقل جمعیت لازم است به نظر شما چگونه می توان موانع جمعیت پذیری و کاهش آن را برطرف نمود؟	ایجاد امکانات خدماتی و رفاهی و ایجاد درآمد پایدار	۹۲	۵۸/۸۲
۴	کدامیک از گزینه های (تحت پوشش بخشداری، دهیاری وابسته، دهیاری مستقل پاره وقت، دهیاری مستقل تمام وقت) برای مدیریت مناسب تر است؟	دهیاری مستقل تمام وقت(در جهت رفع مشکلات و پیگیری آن - دهیار نماینده دولت در روستا می باشد مشکلات را به گوش مسئولین می رساند)	۱۱۱	۷۱/۲
۵	بهترین و مناسب ترین گزینه پیشنهادی برای دهیاری روستا و پوشش وظایف مأموریت های آن را بیان کنید.	آشنا به مشکلات روستا	۷۵	۴۷/۹۵
۶	آیا نیاز به تاسیس راه اندازی شورای اسلامی یا دهیاری یا هردو می باشد؟	بلی	۱۲۹	۸۲/۷
۷	در صورت پاسخ مثبت یا منفی نوع مدیریت (دهیاری، شورای اسلامی و یا هردو) را بنویسید.	تعامل خوب بین دهیار و شورا	۱۲۰	۷۶/۹
۸	به نظر شما با توجه به مشکل قانونی راه اندازی دهیاری و شورای اسلامی آیا می توان قانون را برای کلیه روستاها بدون در نظر گرفتن تعداد خانوار و جمعیت عمومیت داد؟	خیر	۱۰۶	۶۷/۹
۹	وجود و یا عدم وجود راههای دسترسی و وسایل نقلیه بین روستاهای فاقد شورای اسلامی با روستا یا روستاهای مورد نظر برای تشکیل شورای اسلامی تا چه حدی تأثیر گذار است؟	زیاد(راههای دسترسی و وسایل نقلیه سبب رفت و آمد بین ساکنین روستا می شود)	۸۵	۵۴/۵
۱۰	نقش راههای دسترسی بین روستاهای فاقد شورای اسلامی و سایر روستاها را بیان کنید؟	وجود راهها نقش موثری دارد و باعث توسعه می شود	۱۴۴	۹۲/۵۹
۱۱	یکی از دلایل عدم تاسیس و راه اندازی شورای اسلامی نداشتن حداقل جمعیت ۲۰ خانوار و یا ۱۰۰ نفر جمعیت است بنظر شما چگونه می توان موانع جمعیت پذیری را مرتفع نمود؟	با ایجاد امکانات و خدمات برای روستاییان	۸۳	۵۲/۹۹
۱۲	کدامیک از گزینه های (تحت پوشش شورای اسلامی بخش، تحت پوشش شورای اسلامی بزرگترین روستای نزدیک روستا، شورای اسلامی وابسته، شورای اسلامی مستقل) برای دایر کردن شورای اسلامی مناسب می باشد با ذکر دلیل هریک را بیان کنید؟	شورای اسلامی مستقل(همکاری با دهیار در زمینه توسعه روستایی و عمرانی)	۷۷	۴۹/۴
۱۳	بهترین و مناسب ترین گزینه پیشنهادی شما برای شورای اسلامی روستا و پوشش دادن وظایف و مأموریت های آن کدامند؟	افراد متعهد	۱۳۱	۸۳/۹

– داده ها و اطلاعات تحلیلی

حال به کمک داده های ناپارامتریک و تبدیل آنها به داده های پارامتریک بررسی می کنیم آیا شاخص های مدیریت اجرایی و مدیریت نظارتی، مدیریت پهنه ای و بازتعریف شاخص های محلی بر مدیریت محلی روستایی تأثیرگذار هست یا خیر. اگر نتیجه تحلیل رگرسیون یک رابطه خطی بین عوامل را نشان دهد می تواند نتیجه مطلوب را پذیرفت. بر اساس داده های توصیفی پاسخ این سؤال به وضوح بلی است اما برای روشن تر شدن بیشتر موضوع از تحلیل رگرسیون استفاده شده است. لازم به ذکر است تنها ۴۵ سؤال از ۹۵ سؤال پرسش شده به انتخاب محقق در این مقاله ذکر شده است.

از تحلیل رگرسیون برای ارائه مدل مطلوب استفاده نموده و در این مدل مدیریت روستا متغیر وابسته و آگاهی و نگرش به مدیریت نظارتی و اجرایی، مدیریت محلی پهنه ای و توسعه روستایی، باز تعریف شاخص محلی به عنوان متغیرهای وابسته منظور شده اند. در ابتدا به کمک آزمون تی تک نمونه ثابت می نماییم نتایج کسب شده قابلیت تعمیم به کل جامعه را داراست.

جدول ۹: نتایج آزمون T تک نمونه ای

شاخص	میانگین	انحراف معیار	آماره T	معناداری دو دامنه ای	تفاوت میانگین	
					حد پایین	حد بالا
مدیریت روستایی	۳/۱۶	۰/۲۹	۴/۶۳	-/۰۰۰	۰/۱۶	۰/۰۹۲
مدیریت نظارتی و اجرایی	۳/۳۷	۰/۶۷	۷/۰۸	-/۰۰۰	۰/۳۸	۰/۲۷۳
مدیریت محلی پهنه ای	۳/۱۸	۰/۶۴	۳/۸۴	-/۰۰۰	۰/۱۹	۰/۰۸۵
باز تعریف شاخص محلی	۳/۴۴	۰/۴۰	۱۳/۹۱	-/۰۰۰	۰/۴۴	۰/۳۸

سطح معناداری نشان از قابلیت تعمیم مدل دارد. برای استفاده از این مدل ابتدا به کمک آزمون دوربین واتسون به تشخیص وابستگی بین باقی مانده ها می پردازیم

جدول ۱۰: آزمون دوربین واتسون

ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین	تعدیل ضریب تعیین	خطای تخمین زده شده	دوربین-واتسون
۰/۹۴۴	۰/۸۹۲	۰/۸۸۵	۶/۰۵	۱/۸۰۸

جدول فوق مربوط به آماره های توصیفی مقادیر برآوردی توسط رگرسیون، خطاها (باقیمانده) مقادیر برآوردی استاندارد شده و خطاهای (باقیمانده) استاندارد شده را نشان می دهد. از آن جایی که مقدار آماره دوربین - واتسون (۱/۸۰۸) در فاصله ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد، فرض عدم همبستگی بین خطاها رد نمی شود و می توان از رگرسیون استفاده کرد. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده نزدیک یک است که نشان از همبستگی بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل می باشد.

جدول ۱۱: تحلیل واریانس یک طرفه - مدل رگرسیون

مدل	مجموع مربعات	میانگین مربعات	F	معناداری
رگرسیون	۱۹۲۶۵/۳۵	۴۸۱۶/۳۴	۱۳۱/۵۰	-/۰۰۰
باقیمانده	۲۳۴۳/۹۷	۳۶/۶۲	-	-
کل	۲۱۶۰۹/۳۳	-	-	-

تحلیل واریانس رگرسیون، به منظور بررسی وجود رابطه خطی بین متغیرهای مستقل و وابسته است. به عبارت دیگر، نشان می دهد که دست کم یکی از متغیرهای مستقل با متغیر وابسته رابطه خطی دارند. در این مدل مقدار Sig کمتر از ۰/۰۵ است بنابراین می توان گفت که دست کم یکی از متغیرهای مستقل دارای رابطه خطی با متغیر وابسته دارد و نشان می دهد مدل رگرسیون توانسته است تغییرات در متغیر وابسته را توضیح دهد.

جدول ۱۲: ضرایب - مدل رگرسیون دو متغیره

مدل	مجموع مربعات ضریب غیر استاندارد		ضریب استاندارد Beta	t	معناداری	تولرانس	عامل تورم واریانس
	خطای استاندارد	B					
ثابت	۸/۵۷	۳۴/۸۶		۴/۰۶۵	۰/۰۰۰		
مدیریت نظارتی و اجرایی	۰/۲۲	۱/۲۸	۰/۴۲۸	۵/۷۰۱	۰/۰۰۰	۰/۳۰۰	۳/۳۳
مدیریت محلی پهنه ای	۰/۱۸	۰/۷۵	۰/۳۰۷	۴/۱۹۰	۰/۰۰۰	۰/۳۱۶	۳/۱۵
باز تعریف شاخص محلی	۰/۳۶	۲/۰۱۸	۰/۲۴۷	۵/۶۶۳	۰/۰۰۰	۰/۸۹۳	۱/۱۲

با توجه به مقادیر ستون بتا می توان گفت تمام متغیرها روی مدیریت روستا تاثیر دارند سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ است و بیشترین اثر مربوط به منغیر (مدیریت نظارتی و اجرایی) با مقدار ۰/۴۲۸ می باشد. برای بررسی هم خطی در این مدل مقادیرهای

تولرانس (Tolerance) و عامل تورم واریانس (VIF) توسط نرم افزار محاسبه گردیده است هرچقدر تولرانس کم باشد (کمتر از ۰/۱) اطلاعات مربوط به متغیرها کم بوده و مشکلاتی در استفاده از رگرسیون ایجاد می شود. عامل تورم واریانس نیز معکوس تولرانس بوده و هرچقدر افزایش یابد (بزرگتر از ۱۰) باعث می شود واریانس ضرایب رگرسیون افزایش یافته و رگرسیون را برای پیش بینی نامناسب می سازد. بنابراین الگوی تعریف شده بر اساس سه عامل شناسایی شده یک الگوی مناسب و هم خط برای تحقیق است و نشان می دهد انتخاب مدیریت اجرایی و مدیریت نظارتی، مدیریت پهنه ای و بازتعریف شاخص های محلی به عنوان متغیرهای مستقل جهت تبیین موضوع مدیریت محلی روستایی مناسب است.

به عبارتی دیگر می توان از سه عامل طرح شده در این پژوهش برای سنجش الگوی مدیریت روستایی با رویکرد محلی بهره برد. بنابراین در نهایت می توان بیان نمود با بررسی های میدانی و اسنادی صورت گرفته مدیریت اجرایی، مدیریت نظارتی و مدیریت پهنه ای همراه با رعایت اصول و شاخص های بازشناسایی شده بهترین نوع مدیریت در محدوده مورد مطالعه و به تناسب جمعیت می باشند.

نتیجه گیری

از آنجا که یکی از مهم ترین رخدادهای در عرصه روستاهای کشور بحث مدیریت روستایی بوده است، پرداختن به مدیریت روستایی که مبتنی بر مشارکت و دخالت مردم در سرنوشت روستایشان است، ضروری می باشد. همچنین مدیریت صحیح روستایی در روند توسعه روستایی ضمن ایجاد اشتغال و درآمد برای گروه هایی مختلف جامعه روستایی می تواند باعث گسترش امکانات و زیربنای، گسترش سرمایه گذاری ها، توسعه و بهبود حمل و نقل روستایی و در نهایت باعث توسعه و پیشرفت روستاهای منطقه شود. عملکرد دهیاری حاکی از آن است که امروزه دهیاری ها می توانند نقش بسیار مهمی را در راستای توسعه روستایی به ویژه بهبود اوضاع کالبدی- فیزیکی روستا ایفاء نمایند و فعالیت های انجام شده دهیاران گواه بر این مدعاست. اما از طرفی ضعف های در مدیریت روستایی کنونی وجود دارد که نظارت عالی استانداری ها، انتخاب دهیاران های توانمند و باسواد، اختصاص بودجه بیشتر، برگزاری دور ههای آموزشی مرتبط با شرح وظایف دهیار، از سوی دستگاه ها به فرمانداری ها و بخشداری ها و فرهنگ سازی برای مشارکت مردم می توانند تا حدود زیادی از میزان ضعف های موجود بکاهند. از اینرو اهتمام و مشارکت روستائیان به موازات حمایت دولت در راستای توسعه جوامع روستایی امری اجتناب ناپذیر است. امروزه یکی از راهبردهای موثر در توسعه همه جانبه و خودپایدار نواحی روستایی، استفاده از مشارکت و توانمندیهای مردمی، بویژه روستائیان برای عمران و توسعه مناطق روستایی در تمام ابعاد آن است.

مدیریت روستایی در فرایند توسعه روستایی نقش اساسی دارد. مدیریت روستایی در واقع فرایند سازمان دهی و هدایت جامعه و محیط روستایی از طریق شکل دادن به سازمان ها و نهادهاست. مدیریت توسعه روستایی فرایندی است که شامل سه رکن مردم، دولت و نهادهای عمومی است. در این فرایند با مشارکت مردم و از طریق تشکیلات و سازمانهای روستایی، برنامه ها و طرح های توسعه روستایی تدوین و اجرا می گردد و تحت نظارت و ارزشیابی قرار می گیرد. موضوع مشارکت مردم و سپردن سرنوشت مردم به خود آنها پس از انقلاب اسلامی مورد تاکید و توجه مسوولان نظام جمهوری اسلامی قرار گرفت. با توجه به اینکه شوراها مصداق بارز تمرکززدایی و توزیع قدرت تصمیم گیری برای برنامه ریزی و پیشبرد روند توسعه روستایی در مناطق مختلف کشور هستند، شوراهای اسلامی روستایی در سراسر کشور تاسیس گردید. شوراها پل ارتباطی بین مردم و دولت هستند، نهادهای مدیریتی منسجمی که وظیفه دارند ساختار مدیریتی کشور را به سمت مردم سالارانه شدن سوق دهند. مشارکت مردم را در اداره امور و تصمیم گیری درباره مسائل مختلف مرتبط با محل زندگی خود آسان کنند. و در نهایت عاملی برای ارتقای سطح زندگی روستائیان باشند. در کشورهای در حال توسعه شناسایی، کارآمدترین الگوی مدیریتی برای اداره بهینه سکونتگاه های روستایی و عاملی کلیدی در مجموع عوامل اثرگذار بر فرآیند توسعه پایدار روستایی است. مدیریت جدید توسعه روستایی باید درک توسعه محلی، متجلی ساختن ابتکارها، جمع گرایی و مشارکت را در دستور کار خود قرار دهد و توانایی تحلیل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی فضاهای روستایی را داشته باشد. مدیریت روستایی نقش مهمی به عنوان رکن سیاستگذاری، برنامه ریزی و اجرای برنامه های توسعه روستایی دارد.

نتایج پژوهش حاضر در راستای پژوهش های انجام شده پیشین مهدوی و نجفی کانی، مولائی هاشجین، رکن الدین افتخاری، فرجی سبکبار و قصابی، مرادی و آگهی، نعمتی و بدری و حیدری ساربان می باشد و نشان می دهد در روستاهای موجود در شهرستان های غرب و جنوب غرب استان گیلان دو نوع مدیریت موجود است که شامل مدیریت نظارتی(شورا) و مدیریت اجرایی(دهیار) می باشد. اساس انتخاب این مدیران به دست مردم و با مشارکت مستقیم آنهاست. بنحوی که مردم شورا و شوراهای دهیار را انتخاب می نمایند. در مواردی که روستاها مدیریت روستایی بی بهره باشند در قالب یک مدیریت پهنه ای که از تجمیع دو یا تعداد بیشتر روستا تشکیل می شوند بهره مندند. البته در راستای انتخاب مدیریت پهنه شاخص هایی مانند دسترسی، امکانات و خدمات رفاهی و نحوه انتخاب اشخاصی که در سمت مدیریت قرار دارند نیز بسیار اهمیت دارد. این نتیجه به کمک تحلیل رگرسیون نیز سنجیده شده است و نتایج حاکی از انتخاب مناسب مدیریت اجرایی و مدیریت نظارتی، مدیریت پهنه ای و بازتعریف شاخص های محلی (متغیرهای مستقل) جهت تبیین موضوع مدیریت محلی روستایی(متغیر وابسته) است.

با توجه به بررسی ها میدانی و درک نحوه مدیریت روستایی در محدود مطالعه پیشنهادهایی برای بهتر شدن این امر ارائه می گردد:

۱. دولت باید ضمن توجه جدی به منابع مالی دهیارها و با تاسی بر سیاستهای تمرکز زدایی از فعلیتهای خود نسبت به تزریق منابع مالی اتخاذ شده از روستاها و صرف وجوه در یافتی در هر روستا ضمن تامین عدالت اداری آنچه از مردم وصول مینماید را به آنها برگرداند تا توسط دهیارها در توسعه روستایی هزینه شود .
۲. باید شیوه ای مناسبی در افزایش اختیارات دهیارها و تمرکز زدایی تصمیم گیریها و تفویض آن به واحدهای محلی اتخاذ گردد بطوریکه تصمیمات قابل اجرا و آسان انجام پذیرند .
۳. کوشش های در جهت آشنا سازی مردم با عملکرد دهیارها توسط دولت و شورای اسلامی روستا انجام پذیرد .
۴. بسترهای مناسبی برای آشنایی دهیاران با مفاهیم توسعه پایدار روستایی و چگونگی تحقق آن در مناطق روستایی از طریق برگزاری دورههای آموزشی فراهم گردد.
۵. در مقوله رشد و توسعه روستایی توجه به اهمیت مشارکت مردم (روستاییان).
۶. برای تحقق اهداف توسعه روستایی، نیاز به مدیریت محلی احساس می شود تا بتواند با بررسی و شناسایی مشکلات روستا بهترین راه حل های ممکن را عملیاتی نماید.

منابع

- بدری، علی؛ موسوی، عارف.(۱۳۸۸). مدیریت نوین روستایی در جستجوی راهکارهای مناسب برای توسعه دهیاری ها. انتشارات مؤسسه فرهنگی اشتیاق نور، تهران.
- حیدری ساربان، وکیل.(۱۳۹۸). ارزیابی الگوی مدیریت محلی روستایی مبتنی بر شاخص های حکمروایی خوب(مطالعه موردی: شهرستان مشگین شهر). جغرافیا و توسعه، شماره ۵۷، زمستان ۱۳۹۸، ۱۳۳-۱۵۴.
- رضاییان، علی.(۱۳۷۹). اصول مدیریت، تهران: انتشارات سمت.
- رکن الدین افتخاری، عبدالرضا؛ سجاسی قیداری، حمداله؛ و عینالی، جمشید.(۱۳۸۶).نگرشی نو به مدیریت روستایی با تاکید بر نهادهای تأثیرگذار. فصلنامه روستا و توسعه، مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی، سال ده، شماره دو، ۳۱-۱.
- زیارتی نصرآبادی، اسماعیل.(۱۳۸۴). ساختار و تشکیلات در سازمان غیردولتی دهیاری. ماهنامه دهیاری ها، سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور، شماره ۱۸، آبان ۸۴.
- عبداللهیان، حمید؛ شریعتی، شیما ؛ و شوشتری زاده، الهام.(۱۳۸۴). اندازه گیری عملکرد مدیریت روستایی در ایران براساس عوامل تأثیر گذار بر فرآیند مدیریت در روستاهای ایران. نشریه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۰، شماره پیاپی ۴۶، ۲۶۷-۲۲۷.
- فرجی سبکبار، حسن علی؛ قصابی، محمد جواد.(۱۳۹۲). شناخت و تحلیل علل ناکارآمدی مدیریت روستایی از دیدگاه مردم محلی(مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان آران و بیدگل). مجله پژوهش و برنامه ریزی روستایی، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۲، ۲۸۰-۲۵۷.

- مرادی، خدیجه، آگهی، حسین.(۱۳۹۳). واکاوی چالش های مدیریت روستایی با رویکرد کیفی تئوری بنیانی. جغرافیا و توسعه شماره ۳۴ بهار ۱۳۹۳، ۱۸۱-۱۶۷.
- مطیعی لنگرودی، حسن.(۱۳۸۲). برنامه ریزی توسعه روستایی با تأکید بر ایران، انتشارات: جهاد دانشگاهی مشهد.
- مهدوی، مسعود؛ نجفی کانی، علی اکبر.(۱۳۸۴). دهیاری ها، تجربه ای دیگر در مدیریت روستاهای ایران (نمونه موردی: دهیاری های استان آذربایجان غربی). مجله پژوهش های جغرافیایی، پاییز ۱۳۸۴ - شماره ۵۳، ۴۰-۲۰.
- مولائی هشجین، نصراله.(۱۳۸۶). چالش ها و راهکارهای مدیریت برنامه ریزی توسعه روستایی و عشایری در ایران. دومین همایش جغرافیا و قرن بیست و یکم، ناشر انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، اصفهان، ۲۹۸-۲۸۲.
- مولائی هشجین، نصراله؛ پور رمضان، عیسی.(۱۳۸۹). امکان سنجی تجمیع تیپ روستاهای جلگه ای به منظور توسعه پایدار در گیلان با تأکید بر نگرش مدیران. فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی- سال دوم، شماره دوم، بهار ۱۳۸۹، ۸۶-۶۷.
- مولایی هشجین، نصراله(۱۳۹۱): مدل و الگوی پیشنهادی مدیریت روستایی در استان گیلان، همایش ملی توسعه روستایی، رشت.
- مولایی هشجین، نصراله.(۱۳۸۲). الگوی بهینه برای برنامه ریزی توسعه خدمات روستایی در ایران(مطالعه موردی: جنوب استان اردبیل).فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۱۳۸۲، شماره ۷۰، ۷۳-۴۷.
- نعمتی، مرتضی؛ بدری، علی.(۱۳۸۶). ارزیابی نقش کارکردی نظام نوین مدیریت روستایی مقایسه تطبیقی دهیاری های فعال در روستاهای کوچک و بزرگ(مطالعه موردی استان گلستان)، پژوهش های جغرافیایی شماره ۵۹، بهار ۱۳۸۶، ۱۶۱-۱۷۶.

-Koontz, Harold. (1988). *Management, 8th ed.*, New York: Mc Graw- Hill, inc.

-Hersey, p. , Blanchard, K.h.(1972). *Management of organizational Behavior: Utolizing Human Resources*.n.j. prentice Hall.